

سیاست جدید وهابیت در آذربایجان

سرزمینی که امروزه جمهوری آذربایجان نامیده می‌شود...



مقدمه

سرزمینی که امروزه جمهوری آذربایجان نامیده می‌شود، پیش از بستن قراردادهای گلستان (1813م) و ترکمنچای (1828م) بخشی از خاک کشور ایران به شمار می‌رفت. این منطقه پس از جدایی از ایران زمانی تحت سلطه تزارهای روسیه و مدتی در استیلای کمونیست‌ها قرار داشت تا این‌که در سال 1991 با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این منطقه با نام جمهوری آذربایجان به استقلال دست یافت، اما باید اذعان نمود مردم این منطقه پس از رهایی از چنگال آهنین کمونیسم، تحت ستم غرب و غربگرایان قرار گرفتند تا در دوره استقلال نیز ویژگی خاص قفقاز که وابستگی تاریخی کشورهای این منطقه به یک قدرت دیگر بود، همچنان حفظ شود. امروزه مردم جمهوری آذربایجان در کنار مشکلات عدیده خود با معضل اساسی با نام وهابیت روبه‌رو هستند. وهابیت به عنوان فرقه‌ای خودساخته، منشعب از مذهب سنی حنبلی است که در دوپست سال اخیر سبب جنگ‌ها و خونریزی‌های بسیاری در بین مسلمانان شده است. در حال حاضر چنین به نظر می‌رسد که جمهوری آذربایجان به محلی برای ماجراجویی این فرقه تبدیل شده است. انفجار اخیر در مسجد ابوبکر باکو می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای ایجاد بی‌ثباتی دینی در جمهوری آذربایجان که بطور یقین، دامنه این بی‌ثباتی فراتر از مرزهای جمهوری کوچک آذربایجان خواهد بود.

زمینه‌های نفوذ و گسترش وهابیت در جمهوری آذربایجان:

1- بیشتر مردم جمهوری آذربایجان را مسلمانان تشکیل می‌دهند، لیکن این مسلمانان به دلیل سال‌ها زندگی تحت سیطره تزارها و کمونیست‌ها و سیاست‌های دین ستیزی آنان از اسلام حقیقی و معارف بلند آن فاصله زیادی گرفته‌اند و از اسلام چیزی جز نام آن را یاد نمی‌کنند. پس از استقلال این جمهوری در فضای باز ایجاد شده، مردم دنبال گمشده خود یعنی دین اسلام بودند که به دلیل عدم محدودیت‌های فراوان در عرضه اسلام واقعی فرقه‌هایی از قبیل وهابیت و بهائیت توانستند اعتقادات خود را به عنوان اسلام حقیقی به بخشی از مردم آذربایجان تحمیل کنند.

2- واضعان قانون اساسی جمهوری آذربایجان پس از استقلال این کشور بدون توجه به دین اکثریت مردم؛ قانون اساسی را بر دو پایه لائیسزم (دنیوی بودن) و سکولاریسم (جدایی دین از سیاست) بنا کردند که در نتیجه آن اعتقاد به هر دینی و حتی بی دینی تجویز شد. همین عامل و نیز واهمه دولتمردان جمهوری آذربایجان از اسلام حقیقی که دربرگیرنده همه نیازهای بشری است سبب شد، مبلغان ادیان آسمانی و حتی فرقه‌های ضاله به تبلیغ ادیان و باورهای خود پرداختند که در این میان وهابیت نیز گروندگان را به ویژه در بین ماجراجویان به سوی خود جلب کرد.

3- حمایت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی از فرقه وهابیت، عامل اساسی دیگری در گسترش این فرقه در آذربایجان است. این دو رژیم به دلیل اشتراکات تاریخی، دینی، فرهنگی و... مردم ایران و آذربایجان و نیز به دلیل آگاهی از علاقه قلبی مردم جمهوری آذربایجان به ایران و با احساس ترس از ایجاد حکومتی شبیه حکومت ایران در آذربایجان تلاش زیادی برای ایجاد شکاف بین مردم دو کشور شیعی جهان انجام می‌دهد که حمایت همه جانبه از وهابیت از جمله تلاش‌های مذکور است. وهابیت به جهت اینکه نطفه تشکیل کشورهای استعماری مانند انگلیس بوده و از پایه‌های اعتقادی منحرف و متزلزل و جدا از ولایت ائمه اطهار(ع) که منشا تفسیر و تبیین آیات الهی‌اند، برخوردار است، برای همین، همیشه جاهلانه شیعه را دشمن شماره یک خود خوانده و همواره سعی در ضربه زدن به شیعیان دارد و در این بین آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل هستند که بیشترین نفع را برای دشمنی با کل اسلام می‌برند. آنها با اطلاع از فرهنگ شیعه که در سه عنصر انتظار و شهادت و ولایت‌پذیری خلاصه می‌شود، به اهمیت قدرت شیعیان پی برده و برای همین، همواره با حمایت و تحریک پنهان وهابیت در جمهوری آذربایجان، می‌کوشند از احیای تفکر شیعی در کشور شیعه نشین جمهوری آذربایجان جلوگیری نمایند.

4- مناقشه قره باغ و حضور مبارزان افغاني با گرايش‌هاي وهابي در محل مناقشه براي کمک به نيروهاي آذري و همچنين مناقشه چچن و استفاده افراد و گروه‌هاي وهابي حاضر در اين مناقشه از سرزمين‌هاي جمهوري آذربايجان به عنوان یک مسير ارتباطي عوامل ديگري هستند که خواه برنامه‌ريزي شده و خواه ناخواسته توانسته است توجه بخش‌هايي از مردم جمهوري آذربايجان را به سوي وهابيت جلب کند.

دو دستگي؛ سياست جديد وهابيون در جمهوري آذربايجان

امروزه در ميان وهابي‌هايي جمهوري آذربايجان که خود را «سلفي» مي‌نامند، نوعي دو دستگي پيش آمده و آن‌ها به دو فرقه «جامعه ابوبکر» و «جامعه الحق» تقسيم شده‌اند که هرکدام از اين دو فرقه اتهامات فراواني را براي فرقه ديگر منسوب مي‌کنند.

در سايت اينترنتي متعلق به جامعه الحق اتهامات فراواني عليه قامت سلیمان‌اف، رهبر جامعه ابوبکر مطرح شده است. از بررسي مطالب مندرج در اين سايت چنين تصور مي‌شود که «جامعه الحق» نسبت به رهبر مجاهدين چچني دوکا عمرف (وي مدتي رئيس‌جمهور چچن بوده، ولي در سال 2007 از اين سمت کنار رفته و خود را «امير قفقاز» ناميده است) رغبت و علاقه‌مندی فراواني دارند، زيرا ديدگاه‌هاي افراطي عمرف و فراخواني‌هاي وي به جهاد به طور گسترده در آنجا منعکس شده است.

اعضاي جامعه الحق، «قامت سلیمان‌اف» را فتنه‌کار و ابليس مي‌نامند و وي و هوادارانش را به چاپلوسي به نفع حاکميت متهم مي‌کنند. آن‌ها از بردباري «جامعه ابوبکر» در برابر حاکميت و موضع محتاطانه سلیمان‌اف در قبال فراخواني‌هاي جهاد، شديداً انتقاد مي‌کنند.

سلیمان‌اف نیز در مصاحبه با سايت مسجد ابوبکر، مخالفان خود را بي‌سواد، اهل بدعت و کافر خوانده و بر اين باور است که جهاد علمي، بهتر از مبارزه مسلحانه است. سلیمان‌اف نسبت به امير قفقاز «دوکا عمرف» نیز چنين نظري دارد و مي‌گويد: «ادعاهاي وي بي ارزش و بي‌معني است، افرازي در جنگل نشسته‌اند و به جهاد فراامي‌خوانند. حتي زماني که خود پيامبر اسلام (ص) در مکه بود و هنوز از قدرت لازم برخوردار نبود، چنين فراخواني‌هايي از زبانش شنیده نمي‌شد. ادعاهاي آن‌ها بي‌سوادانه و به دور از مصلحت است». با انفجار اخير در مسجد ابوبکر اختلافات اين دو گروه حالت عملي به خود گرفت و وهابي‌هاي جامعه ابوبکر؛ طرفداران جامعه الحق را عاملان اين انفجار معرفي کردند. در اين انفجار چند نفر کشته شده و بيش از ده نفر مجروح شدند که قامت سلیمان‌اف، امام جماعت مسجد ابوبکر نیز جراحات سطحي برداشته بود.

لازم به توضيح است برخي گروه‌ها و احزاب جمهوري آذربايجان مانند حزب اسلامي آذربايجان تعدادي از فعالان ديني، کميته دولتي امور ديني و نیز برخي کشورهاي ديگر مانند آمريکا اين انفجار را محکوم کردند.

به نظر مي‌رسد دو دستگي ايجاد شده در بين وهابيون فعال در جمهوري آذربايجان بيش از آنکه ناشي از اختلاف اعتقادي وهابيون باشد، در راستاي سياست‌هاي جديد اين فرقه و نیز به سفارش حاميان خارجي اين گروه ايجاد شده است و درحقيقت، نوعي تقسيم وظايف به شمار مي‌رود؛ با اين توضيح که گروهی به نام جامعه ابوبکر مأموريت يافته است با نام مبارزه علمي با تشيع به تبليغات منفي عليه ايران و نیز مردم شيعه آذربايجان بپردازند که از جمله تبليغات آنان مي‌توان به تهيه سي دي‌ها و بلوتوث‌هايي با مضامين ضد شيعي و ضد ايراني؛ راه‌اندازي سايت‌هاي اينترنتي براي به سخره گرفتن اعتقادات شيعي، توزيع کتاب‌هاي تبليغ اعتقادات انحرافي، جذب دانشجو براي تحصيل در دانشگاه‌هاي عربستان و... اشاره نمود. همچنين گروه ديگر به نام جامعه الحق در صدد با محور قرار دادن مبارزه عملي با تشيع که از نظر آنان کافر به شمار مي‌روند، رويارويي‌هاي ايجاد شده ميان مسلمانان در عراق و ديگر کشورهای اسلامي را به آذربايجان نیز منتقل نمايند. با اين وصف انفجار اخير مسجد ابوبکر را بايد اقدام نمايشي گروه وهابي جامعه الحق به حساب آورد که خواسته است با اين اقدام نمادين جدیت خود در مبارزه با آنچه از نظر آنان مطرود است را به نمايش بگذارند و به نوبه خود، مي‌تواند مقدمه عمليات اين گروه در مساجد و اماکن متبرکه مربوط به شيعيان تلقي شود؛ اقدامي که در صورت عملي شدن آن، مذاهب گوناگون اسلامي رودرروي همدیگر قرار خواهند گرفت و ثبات ديني جمهوري آذربايجان با چالش جدي روبه‌رو خواهد شد.

بديهي است در اوضاع کنوني که دولت آمريکا درجريان مناقشه گرجستان تحقير شده، به منظور تغيير دادن اين وضعيت و در راستاي سياست ايران ستيزي خود به دنبال تقويت حضور و نفوذ خود در منطقه قفقاز جنوبي مخصوصاً در کنار مرزهاي جمهوري اسلامي ايران است و براي همين، بيش از هر کشور ديگري مي‌تواند از بي‌ثباتي ديني در آذربايجان بهره برداري نموده و با بهانه‌هايي چون تلاش براي حفظ آرامش و نیز حفظ منافع ملي خود به گسترش حضور خود در منطقه اقدام نمايد. همچنين به وجود آمدن اين وضعيت خواسته رژيم صهيونيستي نیز هست، چراکه در نتيجه تحقق آن، مي‌تواند با هزينه کمتری از منابع انرژی اين کشور استفاده کرده و همچنين نفوذ خود و گروه‌هاي يهودي در آذربايجان را بيش از پيش افزايش دهد.

ناگفته پيداست پيدايش اين وضعيت، بيش از هر کشور ديگري با منافع ملي ايران در تضاد است، ضمن اينکه دولت کنوني آذربايجان نیز در درازمدت خسارت‌هاي عمده‌اي را از اين وضعيت متحمل خواهد شد و آرزوي رنگ باخته بازگشت قره باغ به آذربايجان به طور کلي منتفي خواهد شد. البته بايد اذعان داشت تا کنون بيشتر مردم آذربايجان، با وجود سالها زندگي در سلطه تزارها و کمونيست‌ها و به رغم همه سياست‌هاي جاري، توانسته‌اند در سايه فطرت ديني و الهي خويش، بخش‌هايي از هويت تاريخي خود را که مذهب تشيع جزء لاينفک آن است حفظ نمايند و در حال حاضر، گسترش بيداري اسلامي در جمهوري آذربايجان، موضوعي نيست که بتوان آن را انکار کرد.

به هر تقدیر، دولت آذربایجان برای حفظ ثبات دینی و نیز اثبات ادعاهای خود مبنی بر رعایت دموکراسی، چاره‌ای جز پذیرفتن واقعیت‌های موجود ندارد؛ هرچند دولتمردان آذربایجان، تلاش‌هایی را برای تقلیل تعداد شیعیان جمهوری آذربایجان در اذهان عمومی انجام می‌دهند، لیکن همگان بر این نکته اذعان دارند که دست‌کم 75 درصد جمعیت آذربایجان را شیعیان تشکیل می‌دهند که این موضوع دولت آذربایجان را مجبور می‌نماید بیش از پیش حقوق اکثریت را مورد توجه قرار داده و بیش از این برای گروه‌هایی مانند وهابیت که اساساً برای مبارزه با تشیع سازماندهی شده‌اند، اجازه فعالیت ندهد، هر چند که ویژگی‌هایی مانند خشونت فوق‌العاده، تحمیل عقیده، تعصب شدید و افراطی، آشنا نبودن با ارزش‌های فرهنگی، جمود و مخالفت با هر پدیده نوین و ضعف منطق این گروه را در آستانه نابودی قرار داده است.